

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و دوم، دوره جدید، سال هشتم
شماره دوم (پیاپی ۳۰)، تابستان ۱۳۹۵، صص ۹۶-۷۹
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۳

مقایسه تحلیلی سیره رسول خدا(ص) با دوره خلافت در مدیریت مجاهدان مسلمان

بهمین زینلی *

چکیده

سیره رسول خدا(ص) در مدیریت مجاهدان مسلمان و مقایسه آن با دوره خلفا، یکی از مهم‌ترین مباحثی است که سزاوار بررسی‌های عمیق و چند سویه است. بررسی و تبیین دقیق این موضوع می‌تواند بسیاری از ابهام‌های تحولات بعدی تاریخ صدر اسلام، به ویژه علل بروز فتنه‌های دوران خلافت امام علی(ع) را روشن کند. این مقاله به شیوه مقایسه‌ای و تحلیلی و با استناد به منابع اصلی و با هدف تبیین سیره رسول(ص) در جنگ‌ها و مدیریت مجاهدان اسلامی و مقایسه آن با رفتار خلفا، در صدد پاسخ به این سؤال است که تفاوت روش رسول خدا(ص) با خلفا در مدیریت مجاهدان مسلمان چگونه بود و نتایج این دو شیوه، چه تاثیری در آینده جامعه اسلامی گذاشت؟ در سیره رسول خدا(ص)، شاهد مدیریت بر اساس نص صریح احکام الهی و عدالت هستیم؛ اما در دوره پس از آن حضرت، در مواقعی، این رویه به برخوردی ناعادلانه و واگذاری امتیازات بر اساس وابستگی و منافع سیاسی تبدیل شد. در نتیجه، فاصله طبقاتی و تضاد منافع در جامعه اسلامی آشکار شده که این زمینه‌ساز بروز فتنه‌هایی همچون جمل، صفین و نهروان بعد از سال ۳۵ هجری شد.

واژه‌های کلیدی: پیامبر(ص)، خلفا، مدیریت، جهاد، مجاهدان

* استادیار، گروه تاریخ دانشگاه ادبیات اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول). Bahman.zeinali@gmail.com

مقدمه

رسول خدا(ص) در دروان اقامت در مکه، در عمل پیشوایی الهی بودند و فعالیت‌های آن حضرت به هدایت مردم و مبارزه فکری و اعتقادی با مشرکان و بت پرستان مکه محدود می‌شد. اما پس از استقرار در مدینه، علاوه بر ابلاغ رسالت دینی و رهبری مذهبی، ایشان می‌بایست رهبری سیاسی مسلمانان را نیز بر عهده می‌گرفتند. پیامبر(ص) گام‌های نخست را در جهت پی‌ریزی جامعه‌ای نوین، بر اساس تعلیمات اسلامی برمی‌داشتند و خطرهای و مشکلات احتمالی را پیش‌بینی کرده و به عنوان رهبری آگاه و شایسته و دورنگر، چاره‌اندیشی می‌کردند. عقد پیمان برادری میان دو گروه از مسلمانان و تنظیم و تصویب پیمان‌نامه عمومی و نیز امضای پیمان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با یهودیان، نمونه‌ای از این اقدامات پیشگیرانه بود. هنگامی که از طرف خداوند اجازه دفاع و جهاد صادر شد (حج، ۳۹ و ۴۰)، آن حضرت به تشکیل نیروی دفاعی تصمیم گرفتند. با توجه به احتمال حمله نظامی به مدینه، تشکیل چنین نیرویی اهمیت بسیاری داشت. پس از مدت کوتاهی از تاسیس حکومت اسلامی، مسلمانان مبارزه و جهاد با مشرکان را در چارچوب از بین بردن فتنه‌های آن‌ها آغاز کردند و متناسب با اقدامات مشرکان، این عملیات‌ها ادامه یافت. تا رحلت رسول خدا(ص)، ده‌ها غزوه و سریه اتفاق افتاد که در همه آن‌ها مسلمانان با شجاعت و پایداری شرکت کردند. صرف نظر از نتایج و عوارض این جنگ‌ها، شیوه رسول خدا(ص) در اداره جنگ‌ها و مدیریت مجاهدان مسلمان یکی از مباحث مهم و درخور تأمل بوده که تبیین دقیق آن، برای فهم بسیاری از حوادث تاریخ صدر اسلام موثر است.

بررسی این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که پس از رحلت رسول خدا(ص)، موج جدیدی از درگیری‌های نظامی آغاز شد که ابتدا در قالب جنگ‌های

رده و سپس فتوحات ادامه یافت. این جنگ‌ها از نظر جغرافیای ارضی و انسانی، به مراتب گسترده‌تر از جنگ‌های زمان رسول خدا(ص) بودند. شیوه مدیریت مجاهدان اسلامی، به ویژه فرماندهان و امرای نظامی، یکی از تفاوت‌های عمده این جنگ‌ها با دوره رسول خدا(ص) بود؛ شیوه‌ای که فرهنگ جدیدی، متفاوت با فرهنگ دوره نبوی، در جامعه اسلامی رواج داد. این تفاوت‌ها زمانی آشکار شد و عوارض خود را نشان داد که با آغاز خلافت علی(ع) در سال ۳۵ هجری و نهضت بازگشت به عصر رسول خدا(ص) و اصرار آن حضرت به احیای سیره نبوی، موجی از بحران‌های داخلی آغاز شد که بیانگر تفاوت‌های معنادار در مدیریت مجاهدان مسلمان بود.

هدف اصلی این مقاله، مقایسه تحلیلی شیوه برخورد با مجاهدان مسلمان از سوی رسول خدا(ص) و خلفاست که شیوه مدیریت مجاهدان مسلمان قبل از جهاد و حین جهاد و پس از پایان جهاد و تقسیم غنائم را شامل می‌شود. مهم‌ترین مسئله در این پژوهش، نحوه برخورد با مجاهدان مسلمان پس از پایان جهاد، به ویژه در شیوه تقسیم غنائم و پرداخت حقوق آن‌هاست؛ همچنین در این مقاله تلاش می‌شود به این سؤالات پاسخ داده شود: در مدیریت مجاهدان مسلمان، چه تفاوت شاخصی بین روش رسول خدا(ص) با خلفا وجود داشت؟ در مدیریت مجاهدان مسلمان، علت اصلی تفاوت در سیره خلفا با سیره رسول خدا(ص) چه بود؟ اتخاذ شیوه جدید از سوی خلفا در مدیریت مجاهدان مسلمان، چه تاثیری در آینده حاکمیت اسلامی گذاشت؟

این مقاله در دو بخش اصلی تدوین شده است: در بخش نخست با استناد به منابع اصلی و آیات قرآن، درباره شیوه رفتار رسول خدا(ص) با مجاهدان مسلمان و مدیریت آن‌ها در سه مرحله قبل از جهاد و در حین جهاد و پس از جهاد مطالعه و بررسی شده است؛ در

دیگر است که آن را ظاهر وتر، ژنرال سوری، نوشته است. این کتاب از حیث منبع، قوی و عالمانه تدوین شده و به شیوه‌های مدیریتی رسول خدا(ص) در جنگ‌ها پرداخته است. با توجه به رویکرد نویسنده، این اثر به طور عمد به تاکتیک‌های نظامی رسول خدا(ص) پرداخته و به مدیریت مجاهدان و رزمندگان توجه نکرده است. همچنین امی ایرفا (Emi Irfa) پایان‌نامه‌ای با عنوان «اصول جنگ با غیر مسلمانان در قرآن کریم»، در دانشکده تفسیر و حدیث دانشگاه والیسونگو (Walinsongo) اندونزی تدوین کرده که بیشتر به دستورات قرآن در باب جهاد و مجاهدان پرداخته است. همچنین چندین مقاله با عناوین: «روش فرماندهی پیامبر اعظم(ص)»، «مدیریت و رهبری پیامبر اکرم(ص) در عرصه‌های نظامی»، «نقش عوامل معنوی در جنگ‌های عصر رسول خدا(ص)»، «قانون‌مداری در سیره نظامی رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع)» و «ویژگی‌های مجاهدان صدر اسلام»، در خصوص مدیریت نظامی رسول خدا(ص) نوشته و چاپ شده است. این آثار همگی پژوهش‌های نوین در عرصه سیاست‌های نظامی رسول خدا(ص) هستند؛ اما هیچ کدام به صورت مشخص به مدیریت آن حضرت درباره مجاهدان مسلمان نپرداخته‌اند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استناد به منابع اصلی، این موضوع را بررسی و تبیین کند. شایان ذکر است به علت آماده شدن این پژوهش برای چاپ در مجله فارسی، در آن از ترجمه منابع اصلی استفاده شده است؛ اما مطالب با متن‌های اصلی تطبیق داده شده است.

هدف

آغاز جهاد از سوی مسلمانان

رسول خدا(ص) سه سال پس از بعثت (ابن‌هشام،

بخش دوم، به شیوه برخورد خلفا با مجاهدان مسلمان به ویژه فرماندهان نظامی و مدیریت آن‌ها از سال ۱۱ هجری تا سال ۳۵ هجری پرداخته شده است؛ سپس درباره تفاوت‌ها و تعارض‌های مدیریتی آن‌ها با شیوه مدیریتی رسول خدا(ص) و علل این تفاوت رفتار مطالعه شده است. در پایان نیز در قالب نتیجه‌گیری، نتایج این تغییر رفتار در مدیریت مجاهدان مسلمان در تحولات سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هجری تحلیل شده است.

پیشینه تحقیق

درباره سیره رسول خدا(ص)، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نوشته شده است. تعدادی از این آثار به سیره نظامی آن حضرت پرداخته و متناسب با اهداف پژوهشگران، درباره زوایایی از سیره آن حضرت پژوهش شده است. اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام، نوشته یاسین سوید، از جمله کتاب‌های تدوین شده در این خصوص است. این کتاب پژوهشی است درباره فنون جنگ و جهاد در اسلام. نویسنده کتاب بر این باور است که اندیشه نظامی در اسلام، اندیشه‌ای دفاعی است نه هجومی؛ از این رو، اسلام دارای اصول و مبانی مشخصی در این زمینه است که می‌توان آن را در قرآن، حدیث، سنت و عملکرد خلفا و فرماندهان نظامی اسلام، متون فقهی، تفاسیر و منابع تاریخی جستجو کرد و با تأویل و تفسیر به اثبات رساند. کتاب در دو بخش تدوین شده است: در بخش اول، اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام بررسی شده و در بخش دوم، چند نمونه از نبردهای مسلمانان در طی فتوحات اسلامی، تحلیل و بررسی تطبیقی شده است. اما این کتاب به شیوه‌های مدیریتی مجاهدان مسلمان از سوی رسول خدا(ص) نپرداخته است.

مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم(ص)، کتابی

بی‌تا: ۱/۱۶۴)، به امر الهی دعوت خویش را آشکار کردند (حجر، ۹۴). دعوتی که همانند رسالت همه انبیای الهی، بر مبنای گذشت و مدارا بود (آل عمران، ۱۵۹؛ شعرا، ۲۱۴ و ۲۱۵؛ اعراف، ۸۸). علنی شدن دعوت رسول خدا(ص)، واکنش مشرکان را برانگیخت. با وجود آزار مشرکان در مکه، آن حضرت هیچ گاه به جنگ با آن‌ها اقدام نکردند (Irfa, Emi, 2015: 58)؛ اما پس از هجرت به یثرب، در برابر سختی‌هایی که مشرکان از اطراف یثرب به تحریک قریش بر آن حضرت و یاران ایشان تحمیل می‌کردند، واکنش نشان دادند. هم‌زمان آیات مربوط به جهاد نیز نازل شدند و خداوند به رسول خدا(ص) دستور جمع‌آوری سپاه دادند و مسلمانان را ترغیب به جهاد کردند (انفال، ۶۰). هدف از جهاد، برقراری عدالت و احکام الهی بود. چون اخلاق (Irfa, Emi, 2015: 58) و رفتار رسول خدا(ص) برای همه مسلمانان الگو و اسوه بود، آن حضرت در جنگ‌ها نیز، همانند سایر اعمال، حدود احکام الهی را رعایت کرده و با رفتار و اعمال خود، اسلام و احکام آن را برای مسلمانان تبیین می‌کردند. از جمله اقدامات رسول خدا(ص) برای عملی کردن این احکام و حدود در جنگ‌ها، مدیریت مجاهدان مسلمان بود. ایشان در این راستا، شیوه‌هایی را به کار می‌بردند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

مدیریت مجاهدان قبل از جنگ

الف. تأکید بر اخلاص در جهاد

خداوند اخلاص را شرط حضور در جهاد دانسته (حج، ۷۸) و نتایج و دلایل مختلفی برای آن بیان فرموده است (بقره، ۱۱۲؛ انفال، ۶۵). بر همین اساس، رسول خدا(ص) نیز بر اخلاص در جهاد تأکید می‌کردند تا در میدان جنگ، کسی خارج از محدوده فرامین الهی عمل نکند. آن حضرت هیچ گاه کسی را

مجبور به شرکت در جنگ نمی‌کردند و شرط حضور در جهاد را اخلاص و رضای خدا می‌دانستند. در سربزه عبدالله بن جحش در سال اول هجرت، در نامه‌ای که به وی داده بودند فرمودند: «هیچ یک از همراهانت را مجبور به جنگ نکن» (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۰/۱). چرا که باور آن حضرت این بود که جنگ باید در راه خدا و برای رضای او و در چارچوب قوانین الهی باشد. نتیجه چنین باوری این بود: کسی که با اخلاص کامل به میدان جهاد قدم می‌گذاشت تا پای جان مقاومت می‌کرد و از طرف دیگر، با دیده ترس به مرگ و کشته شدن نگاه نمی‌کرد بلکه آن را شهادت و موهبتی در راه رسیدن به خدا می‌دانست. رسول خدا(ص) جنگی را که برای رضای خدا و تحقق حق نبوده، هرچند در سپاه مسلمانان بود، با جنگ فرد مشرک یکی می‌دانستند. چنان‌که وقتی قزمان بن حارث در جنگ احد همراه مسلمانان جنگید و کشته شد، رسول خدا(ص) وی را به علت اینکه برای تعصب‌های قومی جنگ کرده بود، اهل دوزخ دانستند. برعکس زمانی که اصیرم (عمرو بن ثابت بن وقش)، در میدان جنگ به مسلمانان پیوست و کشته شد، او را اهل بهشت دانستند (ابن هشام، بی‌تا: ۱۱۱/۲ تا ۱۱۴).

این نگرش خود عاملی برای قوت قلب و پایداری مسلمانان در جنگ بود. به همین علت، رسول خدا(ص) در جنگ از غیر مسلمانان کمک نمی‌گرفتند؛ زیرا کسی که بدون اخلاص وارد میدان جنگ می‌شد، ممکن بود در حین جنگ دست به اعمالی بزند که خلاف دستورات اسلام باشد و مشرکان آن را به پای مسلمانان و اسلام بگذارند و آن‌ها را محکوم کنند. ایشان در جنگ اُحد، هنگام دیدن عبدالله بن اُبی و یهودیان فرمودند: «در جنگ با مشرکان، از مشرکان یاری نمی‌خواهم» (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۵۷/۱). در جنگ بدر نیز تا زمانی که حبیب (حبیب بن یساف مسلمان

نشد، به او اجازه جنگ با مشرکان را ندادند (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۴۰۴/۳). رسول خدا(ص) در مواقع بسیاری به مجاهدان یادآوری می‌کردند که هدف اصلی جهاد باید بر پایه دین حق باشد و این جز با اخلاص در جهاد امکان‌پذیر نیست. چنان‌که در سیره عبدالرحمن بن عوف به او سفارش کردند: «که فقط در راه خدا و برای رضای خدا جهاد کن» (واقعی، ۱۳۶۹: ۴۲۴/۲). همچنین در جنگ خیبر به مجاهدان فرمودند: «اگر به قصد غنیمت می‌آیید، حق شرکت در جنگ را ندارید» (واقعی، ۱۳۶۹: ۴۸۲/۲). آن حضرت با این‌گونه اعمال، خط تمایز میان افراد مخلص و مسلمان را با مشرکان مشخص می‌کردند و هدف اصلی جهاد را که رضای خداست، تبیین می‌کردند. فتوح و غنایم را در مقایسه با جهاد کم ارزش‌تر دانسته و شرط اصلی جهاد را اخلاص می‌دانستند و لازمه اخلاص در جهاد را نیز پیروی از دستورات خدا و رسولش بیان می‌کردند.

ج. مشورت با مجاهدان مسلمان

ویژگی ممتاز دیگر رسول خدا(ص)، به عنوان فرمانده سپاه اسلام، تشکیل شورای نظامی بود. ایشان از تجربه و دیدگاه سرداران سپاه اسلام بهره می‌جستند و تا آنجایی که گفته شده، هیچ کس به اندازه آن حضرت درباره جنگ با یاران خود مشورت نکرده است (واقعی، ۱۳۶۹: ۴۴۰/۲). ایشان با توجه به اهمیت مشورت از دیدگاه قرآن (شوری، ۳۸)، درباره جنگ و دفاع با یاران خود مشورت می‌کردند (ابن کثیر، ۱۹۹۲: ۳۲۶/۳ و ۳۲۷) تا بهترین راه حل را برای دفاع اتخاذ کنند. رسول خدا(ص) پس از مشورت با یاران خود و تصمیم به جنگ، مجاهدان را آماده می‌کردند و از لحاظ روحی و جسمی به بررسی آن‌ها می‌پرداختند. با توجه به آیات قرآن (توبه، ۹۱؛ فتح، ۱۷)، ایشان افرادی را که از جنگ معاف بودند، از جنگیدن معاف می‌کردند؛ اما اگر آن‌ها اصرار می‌کردند و ثابت می‌شد توانایی

ب. مدیریت و آموزش نکات امنیتی و نظامی

با توجه به وضع مدینه و حضور منافقان و یهودیان و همچنین تعصبات قومی که بر جامعه عرب آن زمان حاکم بود، رسول خدا(ص) می‌بایست مجاهدان را به گونه‌ای مدیریت می‌کردند که از طرفی مانع اختلافات میان مسلمانان شوند و از طرف دیگر، در امر جهاد با شکست مواجه نشوند. به همین علت، آن حضرت در جنگ‌ها افراد شایسته را به کار می‌گرفتند و نکات لازم را به آن‌ها گوشزد می‌کردند. ایشان در جنگ‌های اولیه برای مصادره اموال کاروان‌های قریش، مانند غزوه‌های بواط و عثیره و سعد بن ابی وقاص (ابن هشام، بی‌تا: ۲۸۶/۱)، دریافتند که منافقان اخبار مسلمانان را به مشرکان می‌رسانند. حضرت بدون اینکه کسی را متهم کنند، به پوشیده نگاه داشتن اخبار جنگ اقدام می‌کردند؛ چنان‌که وقتی عبدالله بن جحش را فرستادند،

هدف جنگ برای مسلمانان بود. دیگر مانند جنگ‌های اعراب جاهلی، هدف از جهاد تعصب‌های قبیله‌ای نبود. رسول خدا(ص) خط تمایز میان مجاهد مسلمان و مشرک را مشخص می‌کردند و نشان می‌دادند که میان فردی که مشرک بوده و کشته شده با کسی که مسلمان بوده، تفاوت است. هدف از جنگ برای یک مجاهد مسلمان مبارزه با ظلم و برپایی عدالت (حج، ۳۹)، حمایت از مستضعفان و دین خدا (نساء، ۷۵ تا ۷۷) و نیز مبارزه با فساد و ظلم و برقراری عدالت است (مائده، ۳۳ و ۳۴).

رسول خدا(ص) در میدان‌های جنگ، با شیوه‌های مختلف به تبیین هدف جنگ می‌پرداختند. در جنگ بدر، آن حضرت به مجاهدان فرمودند: هرکس در راه خدا با مشرکان جنگ کند تا کشته شود، خداوند جایگاه او را در بهشت قرار خواهد داد (ابن هشام، بی‌تا: ۲۷/۲). خداوند نیز در قرآن کسانی را که از خدا اطاعت می‌کنند و در راه او شهید می‌شوند، در برترین جایگاه قرار می‌دهد (نساء، ۶۹ و ۷۰). رسول خدا(ص) به مجاهدان یادآوری می‌کردند که جنگ باید برای رضای خدا و رسیدن به اهداف الهی باشد و کسی که با این تفکر به میدان جنگ می‌رود چه کشته شود و چه بکشد، پیروز خواهد بود و سرنوشتی نیکو خواهد داشت. آن حضرت در پایان جنگ بدر، برای تمایز میان مسلمانان و مشرکان و تبیین هدف جنگ برای مسلمانان، شروع به صحبت با کشته شدگان مشرکان کردند و خطاب به آنان فرمودند: «وعده پروردگار را حق یافتید؟» (واقعی، ۱۳۶۹: ۸۳/۱). همان طور که خداوند می‌فرماید شهیدان زنده‌اند و در نزد پروردگار روزی دارند (آل عمران، ۱۶۹)، رسول خدا(ص) نیز به این نکته اشاره می‌کنند که وعده خداوند حق است و با توجه به معاد و عدل الهی، شهیدان سرنوشتی نیکو خواهند داشت و مشرکان نیز سزای اعمال خویش را خواهند دید (توبه، ۱۴).

جنگیدن دارند، مانع آن‌ها نمی‌شدند (ابن هشام، بی‌تا: ۱۱۴/۲). شاخص‌ترین تجربه مشورت رسول خدا(ص) را می‌توان در جنگ بدر دانست که آن حضرت در خصوص موقعیت جنگ، محل نگهداری اسرا و بیان نظر، از اصحاب خود مشورت خواستند (Valikhani, 2014: 174). مشورت آن حضرت با مجاهدان مسلمان در جنگ احد و جنگ احزاب (خندق)، از دیگر نمونه‌های شاخص مشورتی ایشان با مسلمانان است. گفتنی است که کانون اصلی مشورت رسول خدا(ص) با مجاهدان مسلمان، مسجد بود و حضرت به طور معمول، موضوعاتی را که نیاز به مشورت با مسلمانان داشت در مسجد و هنگام اقامه نماز مطرح می‌کردند (Atharizadeh, 2015: 119).

مدیریت مجاهدان در میدان جنگ

الف. تبیین هدف جنگ برای مجاهدان

بر اساس بیان صریح قرآن، گفتار و رفتار رسول خدا(ص) برای همه مسلمانان الگوست (احزاب، ۲۱). رسول خدا(ص) می‌بایست هدف از جهاد را برای مسلمانان روشن می‌کردند تا آنان با بصیرت و آگاهی پا به عرصه جهاد گذارند. ایشان با اتخاذ تصمیم‌های به موقع و با گذشت و بزرگواری خود، زمینه مسلمان شدن مشرکان را فراهم می‌کردند و از طرفی با اعمال عدالت، مانع از ضایع شدن حدود الهی و حق مسلمانان می‌شدند. در راستای این اهداف بود که آن حضرت هنگام جنگ، سیاست‌های ویژه‌ای را در مدیریت مجاهدان مسلمان به کار می‌بستند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: ایشان اخلاص در جهاد را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجاهدان مسلمان می‌دانستند؛ اما هنگامی که مسلمانان راهی میدان جنگ می‌شدند، مهم‌ترین نکته‌ای که حضرت به آن اهمیت می‌دادند، تبیین

از دنیا برود، ایمان بیاورد و مسلمان شود.

ب. فرماندهی مجاهدان در میدان جنگ

برخلاف نظر برخی از مستشرقان که ادعا می‌کنند استراتژی نظامی رسول خدا(ص) در جنگ‌ها ضعیف بود (گابریل، ۲۰۰۷: ۹۵)، آن حضرت در میدان جنگ مدیری کامل بودند و همه جوانب جنگ را در نظر می‌گرفتند. ایشان در جنگ‌هایی که حضور داشتند خود، سپاه مسلمانان را رهبری می‌کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۵/۱). همچنین ایشان در میدان جنگ با یاران خود مشورت می‌کردند تا بهترین موقعیت نظامی را انتخاب کنند (واقعی، ۱۳۶۹: ۴۰/۱). آن حضرت در همه غزوات، مسلمانان را به جنگ با مشرکان ترغیب کرده و به صبر و پایداری توصیه می‌کردند (انفال، ۴۵؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۷/۲). ایشان توجه داشتند که افکار جاهلی و عصبیت در میان مسلمانان شعله‌ور نشود و باعث اختلاف مسلمانان و دوری آن‌ها از اصل اسلام نشوند. هنگامی که در فتح مکه سعد بن معاذ شعارهایی با افکار جاهلی سر داد، رسول خدا(ص) به امام علی(ع) دستور دادند تا پرچم را از سعد بگیرند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲۶۹/۲). بعد از غزوه بنی‌مصطلق که بین سنان و جهجاه اختلاف به وجود آمد و عبدالله بن ابی نیز به آن دامن می‌زد، رسول خدا(ص) به گونه‌ای سپاه را مدیریت کردند که هیچ فرصتی برای ادامه بحث و اختلاف بین مسلمانان پیش نیامد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۲: ۱۷۹/۴ و ۱۸۰).

رسول خدا(ص) در میدان جنگ چنان ثابت قدم و پایدار بودند که هرگاه جنگ بر مسلمانان سخت می‌شد به حضرت پناه می‌بردند (نهج‌البلاغه، غرائب: ۹). آن حضرت علاوه بر روش‌های نظامی، به جنبه‌های روحی و روانی مسلمانان نیز توجه می‌کردند. در جنگ احد پس از شکست مسلمانان، دستور به تعقیب مشرکان دادند (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۰۸/۱) و این گونه آمادگی مسلمانان را

آن حضرت به شهادت و جهاد توجه ویژه داشتند و در جنگ احد درباره شهادت فرمودند: «تنها مؤمنانی که بعد از مرگ حاضرند دوباره به دنیا بازگردند، شهیدانند و دوست دارند دوباره در راه خدا شهید شوند» (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۳۰/۲). نکته دیگری که رسول خدا(ص) در میدان جنگ به تبیین آن می‌پرداختند، مشخص کردن دستورات الهی بود. چه بسا افرادی برای اهداف شخصی و به بهانه جهاد در جنگ شرکت می‌کردند و به اعمالی دست می‌زدند که برخلاف دستورات الهی بود و این امر بهانه‌ای می‌شد برای مشرکان تا به عیبجویی از مسلمانان و اسلام پردازند. به همین علت وقتی خالد بن ولید بر سر بنی‌خدیجه رفت و آن‌ها را کشت، رسول خدا(ص) از کار وی بیزاری جستند و عمل او را برخلاف احکام الهی دانستند (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۲۲/۱؛ واقعی، ۱۳۶۹: ۶۷۳/۲ و ۶۷۴).

با توجه به آموزه‌های قرآن، در تأکید به صلح و جنگ نکردن (نساء، ۹۰)، رسول خدا(ص) تا حد امکان از شروع جنگ توسط مسلمانان جلوگیری می‌کردند و برای جنگ نکردن و پذیرفتن اسلام و پرداخت جزیه یا هجرت، پیکی را به نزد آن‌ها می‌فرستادند؛ مانند اعزام حضرت علی(ع) به یمن (واقعی، ۱۳۶۹: ۸۲۷/۲). آن حضرت با درک این موضوع که افراد خاصی از مشرکان که منافعشان در خطر است، دشمنان اصلی مسلمانان هستند و چه بسا همه آن‌ها راضی به جنگیدن با مسلمانان نیستند، سعی می‌کردند حساب این دو گروه را از هم جدا کنند؛ مانند جنگ بدر که مسلمانان را از کشتن برخی افراد منع کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۶۰/۱). از طرفی، آن حضرت می‌دانستند که جامعه عرب از آداب جاهلی خسته شده‌اند و آمادگی بازگشت به توحید را دارند و با توجه به قوانین اسلام و حقانیت آن، آن‌ها جذب اسلام خواهند شد و هیچ چیز برای رسول خدا(ص) با ارزش‌تر از این نبود که فردی قبل از اینکه

به مشرکان نشان دادند و مانع از حمله آن‌ها به مدینه شدند. همچنین با جدیت دستور دادند که مسلمانان در بدرالموعود حاضر شوند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۱۳/۳) تا به این وسیله روحیه مسلمانان تقویت شده و مشرکان هم به قدرت آنان واقف شوند.

رسول خدا(ص) در همه جنگ‌هایی که حضور داشتند یا سپاه اعزام می‌کردند، دستور می‌دادند زنان، کودکان، افراد ناتوان و کسانی را که در جنگ علیه مسلمانان اقدامی انجام نداده‌اند، نکشند و این سیاست آن حضرت در راستای دستور قرآن بود (بقره، ۱۹۰). در جنگ حنین، وقتی خالد بن ولید زنی را کشته بود، رسول خدا(ص) مسلمانان را از کشتن زنان و کودکان منع کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۶۹۲/۲)؛ یا آن هنگام که مکه فتح شد، همه را امان دادند (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۱۸/۱؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۹). ایشان برای انسان، جدای از مشرک یا مسلمان بودن، حرمت قائل بودند و به همین علت کسی را مثله نمی‌کردند و مسلمانان را نیز از این کار منع می‌کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۵۶/۲ و ۴۳۲). آن حضرت در جنگ‌ها با تدابیر مناسب، برای تسخیر قلوب اسیران و بازماندگان جنگ تلاش می‌کردند. در جنگ با بنی‌مصطلق، با پیشنهاد ازدواج به جویره، هم‌زمینه مسلمان شدن آن‌ها را فراهم کردند و هم باعث آزادی آن‌ها شدند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۹۹/۲). همچنین با اتخاذ تصمیم‌های درست و فرصت دادن به اسیران هوازن، زمینه مسلمان شدن و آزادی آن‌ها را فراهم کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۶۳۰/۲؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۹).

ج. تبیین رعایت عدالت و گذشت در میدان جنگ

رسول خدا(ص) با توجه به آموزه‌های قرآن (شوری، ۲۵؛ نساء، ۹۹)، تا آنجا که حق مسلمانی ضایع نمی‌شد، در برابر خطاهای دیگران گذشت می‌کردند. ایشان در بسیاری از مواقع، از حق خود می‌گذشتند و در اجرای عدالت از حدود الهی خارج نمی‌شدند و

بیش از آنچه مأمور بودند، انجام نمی‌دادند (حدید، ۲۵). آن حضرت در برخورد با مجاهدان مسلمان، آنجا که تمایل به انجام کاری داشتند که حق همه مسلمانان به آن وابسته بود، به مجاهدان دستور اجرای آن را نمی‌دادند، بلکه از خود مسلمانان انجام آن امور را تقاضا می‌کردند. وقتی گردنبندها را دیدند که زینب برای آزادی ابوالعاص فرستاده بود و می‌خواست او را آزاد کند، از مسلمانان تقاضا کردند که اگر ممکن است او را آزاد کنند و گردنبندها را به او برگردانند (ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۰/۲). بعد از جنگ حنین، هنگامی که قبیله هوازن برای پیمان صلح و پس گرفتن آنچه از دست داده بودند نزد رسول خدا(ص) آمدند، حضرت برای به دست آوردن دل آن‌ها و گرویدن آنان به اسلام، حق خود را بر آنان بخشید؛ ولی چون همه مسلمانان در آن حق داشتند، به مجاهدان دستور ندادند که از رأی ایشان پیروی کنند بلکه آن‌ها را تشویق به این کار کردند و کسانی را که حاضر به آزادی اسیران خود نبودند، با دادن غنایم، به آزادی اسیران راضی کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۷۲۳/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۲: ۴۱۸/۴ و ۴۱۹). با این عمل، آن حضرت از طرفی زمینه اسلام آوردن آنان را مهیا کردند و از طرف دیگر، حق هیچ یک از یاران خود را ضایع نکردند و با رفتار خود، به آن‌ها یادآور شدند که گذشت چه جایگاه باارزشی دارد. رسول خدا(ص) بارها از خطای منافقان گذشتند و آن‌ها را نکشیدند تا این اقدام باعث اختلاف میان مسلمانان نشود و مشرکان بر مسلمانان خرده نگیرند که یاران خود را می‌کشند؛ مانند گذشت از خطای عبدالله ابن ابی (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۹۶/۲) یا چشم‌پوشی از خیانت عیینه که بنی‌ثقیف را به پایداری در برابر مسلمانان تشویق کرده بود (واقعی، ۱۳۶۹: ۷۱۱/۲). آن حضرت بارها از تنبیه مشرکان گذشتند و به آن‌ها فرصت دادند تا شاید در آینده مسلمان شوند و در فتح

مکه، به استثنای چند نفر، همه مشرکان را عفو کردند (مسعودی، ۱۳۴۹: ۲۴۵). وقتی سهیل در جنگ بدر اسیر شد، با وجود اینکه ضد آن حضرت سخنان بسیاری گفته بود، او را عفو کردند که بعد از وفات آن بزرگوار، سهیل مانع از ارتداد اهل مکه شد (واقعی، ۱۳۶۹: ۷۹/۱). همچنین رسول خدا(ص) در جنگ دستور می‌دادند تا بعد از شکست مشرکان، فراریان را تعقیب نکنند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۹).

مدیریت مجاهدان بعد از جنگ

یکی از جنبه‌های مدیریت رسول خدا(ص) توجه آن حضرت به نکات بعد از جنگ بود. ایشان پس از جنگ، یک سری اقدامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انجام می‌دادند که متناسب با شرایط جامعه اسلامی بود و باعث آرامش و عدالت و سالم ماندن جامعه اسلامی می‌شد. آن حضرت بعد از هر جنگی، جویای حال مجاهدان می‌شدند و به عیادت زخمی‌ها می‌رفتند و برای تک تک افراد ارزش و اهمیت قائل می‌شدند. شبیه، زنی بود که در جنگ احد حضور داشت و زخمی شد و رسول خدا(ص) بعد از برگشتن از حمراء اسد، جویای احوال او شده و از سلامتی او خوشحال شدند (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۹۵).

بعد از جنگ، رسول خدا(ص) با تبیین جایگاه شهیدان در نزد خداوند، خانواده‌های آنان را تسکین می‌دادند و به خانه شهیدان می‌رفتند و با خانواده‌های آنان همدردی می‌کردند. وقتی جعفر بن ابوطالب شهید شد، رسول خدا(ص) به خانه او رفتند و فرزندان او را نوازش کرده و با خانواده او همدردی کردند (ابن هشام، بی‌تا: ۲۵۲/۲ و ۲۵۳). علاوه بر این، رسول خدا(ص) به کارهای خانواده‌های شهیدان رسیدگی می‌کردند (واقعی، ۱۳۶۹: ۲۴۲/۲ و ۲۴۳). رسول خدا(ص) با این رفتار، الگویی بودند برای سایر مسلمانان تا به کارهای خانواده‌های شهیدان رسیدگی کنند. آن حضرت بعد از جنگ نیز خط تمایز میان مسلمانان و مشرکان را مشخص می‌کردند و اجازه نمی‌دادند که افکار جاهلی جای پیوندهای مسلمانان را بگیرد. بعد از جنگ بدر

آن حضرت در بسیاری از مواقع، از تخلف‌های کوچک مسلمانان می‌گذشتند و به آنان فرصت جبران می‌دادند؛ برای مثال وقتی حاطب به قریش نامه نوشت و می‌خواست آن‌ها را از حرکت مسلمانان به سمت مکه باخبر کند، رسول خدا(ص) بعد از کشف نامه او را عفو کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۹۶/۳). در جریان محاصره بنی قریظه نیز، زمانی که ابولبابه به مسلمانان خیانت کرد و بعد برای توبه به مسجد رفت، آن حضرت فرمودند: «اگر نزد من آمده بود برای او طلب آمرزش می‌کردم» (واقعی، ۱۳۶۹: ۳۸۲/۲ و ۳۸۳). اما حضرت آنجا که حق مسلمانی ضایع می‌شد و جبران کردنی نبود، در اجرای عدالت سخت ایستادگی می‌کردند (ابن هشام، بی‌تا: ۱۱۳/۲). ایشان هیچ گاه به مسلمانان اجازه ظلم و تجاوز از عدالت را نمی‌دادند و در اجرای عدالت همه را به یک چشم می‌نگریستند و عدالت را حتی در کوچک‌ترین مسائل، رعایت می‌کردند. آن حضرت برای یاران خود و به طور کلی برای مسلمانان، ارزش و اهمیت بسیاری قائل بودند و در بسیاری از مواقع، به خاطر مسلمانان و یاران خود، از مشرکان می‌گذشتند و آنان را عفو می‌کردند؛ برای مثال در جنگ با بنی قریظه، وقتی اوسیان از رسول خدا(ص) خواستند که درباره بنی قریظه همانند بنی قینقاع رفتار کنند، ایشان قضاوت را به سعد بن معاذ، رهبر اوسیان، واگذار کردند (ابن هشام، بی‌تا:

وقتی سوده، همسر رسول خدا(ص)، سهیل بن عمر را در وضعیت اسارت دید، به او گفت: «چرا مرگ شرافتمندانه را ترجیح ندادی؟» رسول خدا(ص) به او یادآور شدند که آن‌ها از مشرکان هستند و نباید مشرکان را ضد خدا و رسول خدا تحریک کند (واقعی، ۱۳۶۹: ۸۷/۱). بزرگ شمردن جهاد و کار مسلمانان از دیگر مسائلی بود که رسول خدا(ص) بعد از جنگ بدان توجه می‌کردند. ایشان ارزش بسیاری برای کار مسلمانان قائل بودند (ابن هشام، بی‌تا: ۴۲/۲). مهم‌ترین جنبه‌های مدیریتی رسول خدا(ص) پس از پایان جنگ‌ها برای مجاهدان مسلمان، مدیریت در خصوص تقسیم غنایم و همچنین شیوه برخورد با اسرا بود.

الف. تبیین شیوه تقسیم غنایم

در اسلام نخستین غنیمت در سال دوم هجری، در سریه عبدالله بن جحش نصیب مسلمانان شد (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۱/۱). بعد از جنگ بدر، میان مسلمانان بر سر غنایم اختلاف افتاد و گروهی که غنایم را جمع کرده بودند، آن را حق خود می‌دانستند و گروهی دیگر که در میدان مشغول نبرد بودند و چیزی به آن‌ها نرسیده بود، خود را سزاوارتر از دیگران در گرفتن غنایم می‌دانستند. آنان از رسول خدا(ص) درباره غنایم سوال می‌کردند که در پاسخ به سؤالات آن‌ها سوره انفال نازل شد (ابن هشام، بی‌تا: ۳۹/۲). بعد از نازل شدن سوره انفال (انفال، ۶۱)، رسول خدا(ص) غنایم را به طور مساوی میان همه تقسیم کردند و بین افراد شرکت کننده در جنگ هیچ فرقی نگذاشتند. ایشان حتی کسانی را که به نحوی مسلمانان را در جنگ یاری کرده بودند، سهم کردند (ابن هشام، بی‌تا: ۶۴/۲؛ واقعی، ۱۳۶۹: ۱۷/۱).

رسول خدا(ص) در جنگ‌های خود، بلافاصله

دستور می‌دادند غنایم را جمع‌آوری کنند و فردی را بر غنایم می‌گماشتند تا چیزی از آن کم و کاست نشود (ابن هشام، بی‌تا: ۳۹/۲؛ واقعی، ۱۳۶۹: ۷۰۰/۲). آن حضرت بدون در نظر گرفتن پایگاه اجتماعی افراد و بر اساس عدالت و دستورات الهی، همه را برابر می‌دانستد و غنایم را به صورت مساوی میان همه تقسیم می‌کردند. از منظر آن حضرت، هدف از جهاد نه به دست آوردن غنایم بلکه یاری رساندن به مظلومان و مستضعفان و برپایی عدالت بود. آن حضرت غنایم را ذخیره نمی‌کردند که باعث اختلاف یا طمع دیگران شود بلکه بلافاصله بعد از جنگ، آن را میان مسلمانان تقسیم می‌کردند. ایشان درباره بی‌ارزشی غنایم فرمودند: «اگر تمام خا‌رهای بیابان گوسفند بودند، باز هم آن‌ها را میان شما تقسیم می‌کردم و مال دنیا برای من بی‌ارزش است» (ابن هشام، بی‌تا: ۳۱۳/۲؛ واقعی، ۱۳۶۹: ۱۱۷/۲).

ایشان مسلمانان را از تصرف در غنایم سخت باز می‌داشتند و آن‌ها را از برگرفتن حتی نخ یا سوزنی نهی می‌کردند (ابن هشام، بی‌تا: ۳۱۳/۲) و کسی را که به ناحق چیزی از غنایم بر می‌گرفت، اهل جهنم معرفی می‌کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۰۷۲/۳). رسول خدا(ص) از اینکه مسلمانان به قصد غنیمت از اصل جهاد غافل شوند، به یاران خود تذکر می‌دادند. ایشان مال دوستی و حرص و طمع در جمع‌آوری آن را عاملی برای فاصله گرفتن از اصل جهاد و اسلام می‌دانستند. آن حضرت برای به دست آوردن دل مشرکان و خالی کردن دل آن‌ها از تعصب و افکار جاهلی و تاباندن نور ایمان در دل آن‌ها، گاهی بیش از دیگر مسلمانان از غنایم به آن‌ها عطا می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۲۵/۱ و ۴۲۶). رسول خدا(ص) به این امر توجه می‌کردند که در میان مسلمانان، فاصله غنی و فقیر زیاد نشود. به همین علت غنایم به دست

که دستور دادند عقبه بن ابی معیط و نصر بن حارث را گردن زدند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰۵/۱). علت این امر جسارت‌های آن‌ها به اسلام و مسلمانان در مکه و به ویژه تمسخر اسلام بود (Gabriel, 2007: 102). در فتح مکه «دستور دادند که شش مرد و چهار زن را در صورت دستیابی به آن‌ها، بکشند. مردان عبارت بودند از: عکرمه بن ابی جهل، هبار بن اسود، عبدالله بن سعد بن ابی سرح، مقیس بن صباحه لثی، حویرث بن نقیذ (نفیل) و عبدالله بن هلال بن خطل ادرمی. زنان عبارت بودند از: هند دختر عتبه بن ربیع (همسر ابوسفیان)، ساره کنیز عمرو بن هاشم و دو کنیز خواننده ابی خطل که نامشان قرینا و قریبه بود و هم گفته اند که نام این دو کنیز فرتنا و ارنه بوده است» (واقدی، ۱۳۶۹: ۶۳۱/۲). از این تعداد هم تنها دو نفر کشته شدند (9: Atiq ur Rahman, 2014).

هدف رسول خدا(ص) این بود که با ایجاد بستر مناسب و معرفی اسلام با رفتار اسلامی به اسیران، زمینه مسلمان شدن آن‌ها را فراهم کنند. در جنگ بنی مصطلق، رسول خدا(ص) با جویریة ازدواج کرده و زمینه دعوت آن‌ها به اسلام را فراهم کردند؛ پس بنی مصطلق این گونه اسلام آوردند و همه آزاد شدند (ابن هشام، بی تا: ۱۹۹/۲). آن حضرت ضمن توجه به ارزش و جایگاه انسانیت و اهمیت دادن به احکام اسیر و منع از مثله کردن اسیران، با خوش رفتاری قلوب افراد را تسخیر می‌کردند و احکام برخورد با فرد اسیر را به مسلمانان آموزش می‌دادند. در مواقعی هم که افرادی را اعدام می‌کردند، این اعدام‌ها در راستای اجرای دقیق شریعت اسلام بود و اعدامیان یا مرتکب قتل شده یا در جنگ خیانت کرده یا بعد از آزادی از اسارت، دوباره به جنگ علیه مسلمانان آمده بودند (9: Atiq ur Rahman, 2014).

آمده از جنگ با بنی نضیر را میان مهاجران که خانه و کاشانه‌ای نداشتند و دو نفر از انصار که فقیر بودند، تقسیم کردند (واقدی، ۱۳۶۹: ۲۸۱؛ یعقوبی، ۱۳۴۲: ۴۰۸ و ۴۰۹). در خصوص تقسیم غنایم و بیت‌المال، شاخص‌ترین ویژگی رسول خدا(ص) توزیع بر اساس عدالت بین همه مسلمانان بود. ایشان امتیاز بیشتری به کسی نمی‌دادند و تفاوتی میان افراد قائل نمی‌شدند. این اقدام باعث از بین رفتن فاصله طبقاتی میان مسلمانان و رفع تبعیض میان آنان می‌شد.

ب. تبیین رفتار با اسراء

رفتار رسول خدا(ص) با اسیران، در راستای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و برپایی دین خدا بود. به همین علت، آن حضرت اسیران را به اسلام دعوت می‌کردند (انفال، ۷۰). ایشان با توجه به آیات قرآن، بر اساس ارزش‌های انسانی با اسیران برخورد کرده (انسان، ۷۶) و به یاران خود نیز سفارش می‌کردند با اسیران به خوبی رفتار کنند (واقدی، ۱۳۶۹: ۳۸۹/۲). آن حضرت همچنین، مسلمانان را از کشتن اسیران منع می‌کردند (واقدی، ۱۳۶۹: ۵۵۳/۲) و کسانی را که اسیر شده بودند و پولی برای آزادی خود نداشتند، به شرط اینکه ضد مسلمانان اقدامی نکنند، آزاد می‌کردند. اما اگر کسی از آنان اسیر می‌شد و پس از آزادی دوباره خیانت می‌کرد، دیگر تسامح نشان نمی‌دادند؛ مانند ابو عزه عمرو بن عبدالله بن عمیر جمحی که پس از آزادی در بدر، دوباره در احد به جنگ مسلمانان آمد (واقدی، ۱۳۶۹: ۸۲ تا ۸۳).

درباره اعدام اسرا توسط رسول خدا(ص) باید گفت که این امر بسیار نادر بود و آن حضرت در مواقع خاصی، حکم اعدام صادر می‌کردند؛ از جمله در بدر

مدیریت مجاهدان مسلمان پس از رسول خدا(ص)

الف. مدیریت مجاهدان قبل از جنگ

بعد از رحلت رسول خدا(ص) در سایه مسائلی همچون غنایم، فتوحات، تعصب و قدرت آنچه ایشان بر آن تأکید می‌کردند کم رنگ شد و تنها موضوعی که در اولویت قرار گرفت، آرام کردن سرزمین‌های اسلامی و به عبارتی، تثبیت خلافت بود. خلیفه نخست با توجه به زمان خلافت خود که هم زمان با ارتداد برخی از قبایل (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲: ۴) و مخالفت برخی دیگر بود، آرام کردن سرزمین‌های اسلامی را در اولویت کار خود قرار داد و برای تحقق این امر، فردی همچون خالد بن ولید را انتخاب کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ۲: ۵؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۴۱). خالد اعمالی انجام داد که مخالف با دستورات الهی بود؛ چنان‌که در جنگ با اهل رده برخی را سوزاند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳/۱۲۳۰) و به خاطر امیال شخصی، افرادی را که تسلیم شده بودند گردن زد. مالک بن نویره را با وجود شهادت برخی مسلمانان مبنی بر اینکه او جنگ نکرده و به اسلام خود اقرار کرده است، کشت و برای این رفتار بازخواست نشد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۱۰؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۴۱). او حتی به کسانی که کافر نشده بودند و فقط صدقه نمی‌دادند، رحم نکرده و بسیاری از آن‌ها را قتل عام کرد (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۳۴ و ۳۵). به علاوه، سیاست آرام کردن فضای بعد از ارتداد و مشغول کردن مسلمانان برای جلوگیری از اعتراض آنان، باعث توجه افراد به کسب غنایم شد؛ به گونه‌ای که افراد با اخلاص و کسانی که طمع داشتند، با یکدیگر جمع شدند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۵).

خلیفه دوم برای اجرای قوانین اسلام سخت‌گیری‌های بسیاری می‌کرد؛ اما در میان کارگزاران او افرادی همچون مغیره که به زنا محکوم شده بود (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۸۳) یا قدامه بن مظعون که به علت

شراب‌خواری حد خورده بود (ابن‌سعد، ۱۹۹۰: ۵/۵۶۰ و ۵۶۱)، حضور داشتند. علاوه بر این، در این زمان برای افزایش نیرو در جنگ‌ها، از بادیه‌نشین‌هایی که هنوز مسلمان نشده بودند هم استفاده می‌شد (طبری، ۱۳۵۲: ۵/۱۶۸۳) و در یک نمونه، یک چهارم از غنایم جنگ به جریر بن عبدالله و قبیله بجیله پیشنهاد شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۶۱).

در نیمه اول دهه سوم خلافت، توجهی به افراد شایسته نمی‌شد و آنچه اصل تلقی می‌شد، تعصب قومی و به کارگیری خویشان بود. کسی که در زمان رسول خدا(ص) تبعید شده بود، مأمور جمع‌آوری صدقات قبیله خزاعه شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۶۹؛ دینوری، ۱۳۸۴: ۵۵). حکومت کوفه نیز به دست ولید افتاد که فردی شراب‌خوار بود (مسعودی، ۱۳۴۴: ۲۰۹/۱) و عبدالله بن عامر به حکومت بصره گماشته شد (طبری، ۱۳۵۲: ۵/۲۱۰۹). بنابر آنچه گفته شد، رسول خدا(ص) با تأکید بر اخلاص، مسلمانان را به ایمان رهنمون می‌کردند؛ اما پس از رحلت آن حضرت، از این امر چشم‌پوشی شد و زمینه برای انجام اعمالی فراهم شد که خلاف دستورات الهی و اسلام بود.

رسول خدا(ص) در جنگ‌ها خود رهبری مسلمانان را به عهده می‌گرفتند یا افرادی شایسته را انتخاب می‌کردند و دستورات لازم را به آن‌ها می‌دادند؛ اما برخلاف ایشان، خلفا از شرکت در جنگ‌ها خودداری می‌کردند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۶۳ و ۳۶۴) و هیچ‌کدام شخصاً در جنگ‌ها حضور نیافتند و هیچ‌گاه برای حضور در جنگ، از مدینه خارج نشدند. البته به جز خلیفه دوم که برای بستن پیمان صلح به شام رفت (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۳۵). همچنین، برخلاف رسول خدا(ص) که بر صلح تأکید می‌کردند تا جنگ، پس از ایشان از این امر غفلت شد و اصرار به جنگ و دوری از خوش رفتاری که می‌توانست دل مردم را به دست

نکردن او، قدرت گرفتن دوباره بنی امیه و زمینه سازی حکومت موروثی برای آنان را باعث شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۰۳). به اندازه ای به آنان آزادی داده شد که بر خلیفه مسلط شدند و هر کدام قسمتی از ممالک اسلام را به دست گرفتند و بر آنجا فرمانروایی کردند.

مسئله درخور توجه در این زمان، شکل گیری فرهنگ خشونت و خودرأیی بود (ابن سعد، ۱۹۹۰: ۲۷۴/۳؛ سیدرضی، ۱۳۷۳: ۲۳). همین امر باعث شد بارها اعمالی انجام گیرد که خارج از حدود الهی بود. البته سیاست خشونت برای همگان یکسان نبود؛ برای مثال، مغیره بن شعبه که کارگزار کوفه بود و مرتکب زنا شده بود، از اجرای حد رهایی یافت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۸۳) و عبدالله عمر، قاتل هرمزان، قصاص نشد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۵/۲). اما در همین زمان، امام علی(ع) را به بهانه آنکه با افرادی که مرتد شده بودند و زکات نمی دادند، جنگ نمی کردند به فرماندهی انتخاب نکردند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵/۲) و بسیاری از صحابه رسول خدا(ص) به این علت که به برخی انحرافات اعتراض می کردند، مؤاخذه می شدند؛ چنانکه ابوذر پس از آزار و اذیت تبعید شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۶۶/۲؛ طبری، ۱۳۵۲: ۲۱۳۴/۵ تا ۲۱۳۶).

مدیریت مجاهدان بعد از جنگ

الف. شیوه تقسیم غنائم

در آغاز دوره خلافت، بیت المال هنوز چشمگیر نبود و به صورت مساوی میان مسلمانان تقسیم می شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۷/۲)؛ اما با گسترش فتوحات، در تقسیم بیت المال عدالت رعایت نشده و بین افراد تفاوت گذاشته شد (طبری، ۱۳۵۲: ۱۷۹۴/۵ و ۱۷۹۵). در این زمان، دیوانی برای تقسیم بیت المال تاسیس شد و افراد بر اساس خویشاوندی با رسول خدا(ص) و سابقه اسلام، به طبقات مختلف تقسیم شدند و برای هر

آورد، به جایی رسید که حتی نزدیکان خلفا نیز به آن اعتراض می کردند (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۹). در مواقعی بدون توجه به شایستگی افراد و فقط بر اساس روابط خویشاوندی، افراد ناشایستی را به فرماندهی سپاه اسلام گماشتند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۷/۲ تا ۵۹). وقتی صحابه درباره این اعمال اعتراض می کردند، آن‌ها را مؤاخذه کرده و به سرزنش آنان می پرداختند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۶۶/۲؛ مسعودی، ۱۳۴۴: ۶۹۷/۱).

ب. مدیریت مجاهدان در میدان جنگ

بعد از رحلت رسول خدا(ص)، جهاد از اهداف اصلی فاصله گرفت و به اهداف شخصی تبدیل شد. با فاصله گرفتن جهاد از اهداف اصلی، خلیفه جدای از سرکوبی اهل رده برای آرام کردن اوضاع خلافت خود، به جنگ اقدام کرد (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۸/۲ و ۳۹). به همین علت به اعمال خالد که برخلاف احکام الهی بود، هیچ اعتراضی نشد. از طرفی، به علت امتیازاتی که بر مبنای حضور در جنگ‌ها در تقسیم بیت المال برای افراد در نظر گرفته می شد، افراد بسیاری به جهاد روی آوردند که به پیروزی بیش از هدف اصلی جهاد توجه می کردند (طبری، ۱۳۵۲: ۱۷۹۴/۵ و ۱۷۹۵). در سال‌های آخر خلافت، جهاد جز به دست آوردن غنائم و سرزمین‌هایی برای خویشاوندان معنایی نداشت تا آنچه مسلمانان در جهاد به دست آورده بودند میان آن‌ها تقسیم شود. چنان‌که یکی از علل مخالفت مردم با خلیفه همین موضوع بود (دینوری، ۱۳۸۴: ۵۷). این سیاست‌ها باعث اختلاف میان مسلمانان، به ویژه انصار و مهاجران، شد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/۲ و ۳) و انتخاب فرماندهان و مدیرانی همچون خالد بن ولید، این اختلافات را بیشتر کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵/۲). از طرفی، گماشتن افرادی همچون معاویه به جای برادرش، یزید بن ابوسفیان، به امارت شام و بازخواست

خدا(ص) و ابوبکر، همه را سهم مساوی خواهم داد (طبری، ۱۳۵۲: ۶۱۴/۳).

همچنین در دوره خلفا، سهم مؤلفه قلوبهم قطع شد و استدلال این بود که مسلمانان دیگر ترسی از مشرکان ندارند. برداشت خلفا از مؤلفه قلوبهم این بوده که چون مسلمانان از مشرکان هراس داشتند، برای همراه کردن آنان با خود، امتیازهایی همچون مؤلفه قلوبهم که غنایم بیشتر بود، می‌دادند؛ در حالی که رسول خدا(ص)، در زمانی که مسلمانان مکه را فتح کردند و قدرت مشرکان از هم پاشید، با هدف نرم کردن دل آن‌ها برای گرایش به اسلام، این امر را انجام دادند. خلیفه سوم بیش از خلفای قبلی به انباشت بیت‌المال اقدام کرد. وقتی در سال ۳۴ هجری، اعتراض‌ها به خلیفه به اوج خود رسید، وی با برخی از فرمانداران خود به مشورت پرداخت. در آن میان، عبدالله بن ابی سرح به او گفت «اموال را از بیت‌المال بیرون آور و میان مردم تقسیم کن» (طبری، ۱۳۵۲: ۲۲۰۸/۶ و ۲۲۰۹). این موضوع بر وجود اموال بسیار در بیت‌المال صحه می‌گذارد. چنان‌که وقتی امام علی(ع) به خلافت رسیدند، اموال بسیاری در بیت‌المال بود که آن‌ها را به تساوی میان مسلمانان تقسیم کردند.

خلیفه سوم برای خود خانه‌ای به شکل کاخ ساخت (مسعودی، ۱۳۴۴: ۶۸۹/۱ تا ۶۹۰). او اموال بیت‌المال را به گونه‌ای که دوست داشت به اقوام و نزدیکان خود می‌بخشید؛ چنان‌که مسلمانان در نامه‌ای اعتراضی به وی، این موضوع را بیان کردند «که چرا نزدیکان خود را به سرپرستی شهرها گماشته و یا خمس آفریقا را به مروان بن حکم داده‌ای» (دینوری، ۱۳۸۴: ۵۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۶۹/۲). اگر خلیفه دوم در تقسیم بیت‌المال به مسائلی همچون سابقه افراد در اسلام توجه می‌کرد، خلیفه سوم با بخشش آن به نزدیکان خود، آن را صله رحم می‌دانست (بلاذری، ۱۹۳۶: ۲۵/۵).

کدام سهمی در نظر گرفته شد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۲۹؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۰/۲ تا ۴۲). این اقدام به وجود آمدن امتیازهایی برای گروهی از مسلمانان و برتری برخی بر برخی دیگر را باعث شد؛ به گونه‌ای که بعدها برخی از صحابه به نحوه تقسیم بیت‌المال توسط حضرت علی(ع) اعتراض کردند و در واقع، خواهان امتیازاتی بودند که در دوره خلفا داشتند و آن را حق خود می‌دانستند. امام علی(ع) در پاسخ به آن‌ها یادآوری کردند که روش ایشان در تقسیم بیت‌المال به صورت مساوی، مانند رسول خدا(ص) است و روشی نیست که به خواسته دل خود انجام داده باشند (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۱۱۱/۲؛ سیدرضی، ۱۳۷۳: ۵۱۵).

روش تفضیلی خلفا در تقسیم غنایم، باعث ایجاد فاصله طبقاتی چشمگیر میان مسلمانان شد و گروهی به اموال فراوان دست یافتند و این امتیازات را حق خود می‌دانستند و حاضر به دست کشیدن از آن نبودند؛ چنان‌که وقتی امام علی(ع) به خلافت رسیدند و این امتیازات را لغو کردند، سران و بزرگان طبقه ثروتمند به ایشان گفتند که حق ما را بده و به ما ظلم نکن. امام در جواب آن‌ها گفتند: تقسیم بیت‌المال با در نظر گرفتن امتیازات، ظلم است و مال خدا را باید به طور مساوی میان همه تقسیم کرد (سیدرضی، ۱۳۷۳: ۲۹۲ و ۲۹۳). آن‌ها وقتی به خواسته‌های خود نرسیدند، به مخالفت با امام پرداختند.

این امتیازات یکی از علل فاصله گرفتن مسلمانان از اسلام بود که آثار آن در زمان امام علی(ع) مشخص شد. خلیفه دوم نیز به این موضوع پی برده بود که امتیازات باعث فساد در جامعه اسلام شده است؛ به گونه‌ای که در سال پایانی خلافت خود گفته بود: در تقسیم بیت‌المال بر مبنای تفضیل، به دنبال الفت و دوستی یاران رسول خدا(ص) بودم و اگر همین سال زنده باشم، مانند رسول

را برای جنگ به عراق فرستاد؛ اما وقتی مرزبان مذار بدون جنگ تسلیم شد، عتبه گردن او را زد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۸۰).

نتیجه

رسول خدا(ص) پس از هجرت به مدینه، پایه‌های نخستین حکومت اسلامی را بنیان نهادند. اقدامات آن حضرت برای تشکیل حکومت اسلامی، زمینه مخالفت را برای دشمنان داخلی، یعنی منافقان و یهودیان و دشمنان خارجی، یعنی مشرکان قریش و قبایل اطراف مدینه، علیه حکومت نوپای اسلامی فراهم کرد. آن حضرت در راستای دفاع از حکومت اسلامی و جامعه مسلمانان و بنا بر فرمان الهی، با تشکیل سپاهی از مجاهدان مسلمان، اقدامات لازم تدافعی را آغاز کرده و در قالب سریه‌ها و غزوه‌ها، جهاد در راه خدا را به همراه مسلمانان آغاز کردند. صرف نظر از تعداد جنگ‌های رسول خدا(ص) با دشمنان اسلام و سرنوشت این جنگ‌ها، سیره و روش آن حضرت در طول این جنگ‌ها، یکی از موضوعات شاخص و درخور توجه است. از ابعاد سیره آن حضرت در طی این جنگ‌ها، مدیریت مجاهدان مسلمان در طول این دوران است. ابعاد این مدیریت در تمام مراحل جنگ درخور تأمل و تحلیل است؛ از جمله مدیریت مجاهدان مسلمان قبل از جنگ، در حین جنگ و پس از جنگ. آن حضرت قبل از شروع هر جنگی، اهداف جنگ را برای مجاهدان مسلمان تشریح می‌کردند و آن‌ها را برای شرکت در جهاد مختار می‌گذاشتند و از لحاظ روحی و جسمی به بررسی آن‌ها می‌پرداختند و افرادی که از جنگ معاف بودند، کنار می‌داشتند؛ اما اگر آن‌ها اصرار می‌کردند و ثابت می‌شد توانایی جنگیدن دارند، مانع آن‌ها نمی‌شدند. هدف آن حضرت این بود که مسلمانان

خلیفه دوم در تقسیم بیت‌المال برخی را بر دیگران ترجیح می‌داد؛ ولی به فرمانداران خود سخت‌گیر بود و خود نیز زندگی ساده‌ای داشت؛ اما خلیفه سوم با این نگاه که بیت‌المال جزء اموال خلیفه است، آن را هرگونه که می‌خواست، خرج می‌کرد. بذل و بخشش‌های خلیفه سوم باعث اعتراض مسلمانان شد؛ بر همین اساس عبدالله بن ارقم، خزانه‌دار خلیفه سوم، از فرمان او مبنی بر اعطای اموال گزاف به افراد خاص خودداری کرد و از خزانه‌داری کناره گرفت (بلاذری، ۱۹۳۶: ۵۸/۵ و ۵۹). خلیفه سوم با انباشت بیت‌المال و تصرف در آن و بخشش به نزدیکان خود، باعث فساد در بیت‌المال شد. از آنجا که زمینه این فساد و دنیا دوستی از زمان خلیفه دوم شروع شده بود، در زمان امام علی(ع) افراد بسیاری که در دوران خلفای قبل امتیازات خاص داشتند، حاضر به دست کشیدن از این امتیازات نشدند و این شروعی بود برای اختلاف میان مسلمانان؛ به گونه‌ای که امام علی(ع) برای برپایی احکام الهی و سنت رسول خدا(ص)، به جنگ با این قبیل افراد مجبور شدند.

ب. برخورد با اسراء

در دوره خلفا، شیوه برخورد با اسیران نیز عوض شد و بر اساس منافع و امیال شخصی با اسیران برخورد می‌کردند. خلیفه اول خالد بن ولید را برای قتل مالک بن نویره بازخواست نکرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۴۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۰/۲). خالد برخلاف احکام اسلام، ایاس را که مرتد شده بود، در آتش سوزاند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۴/۲)؛ همچنین در عین‌التمر بعد از اینکه سپاه دشمن تسلیم شده بود، همه آن‌ها را کشت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۵۲) و در جنگ با اهل رده، گوش و بینی آنان را برید و همه جا را به آتش کشید (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱۸). در زمان خلیفه دوم، خلیفه عتبه بن غزوان

خشونت و خودرأیی بود و همین امر باعث شد تا بارها اعمالی انجام گیرد که خارج از حدود الهی بود. این شیوه رفتار نشان‌دهنده چرخشی اساسی از سیره نبوی است. نتایج این شیوه جدید، ترسیم تصویری خشونت‌آمیز از اسلام را موجب شد؛ همچنین منجر به بروز فرهنگی شد که امروزه بهانه به دست مستشرقان مغرض داده است تا رفتارهای جریان‌های انحرافی دوران معاصر را به رفتارهای صدر اسلام منتسب کرده و اصل اسلام را به خشونت متهم کنند. پس از پیامبر(ص)، تقسیم بیت‌المال و غنایم حاصل از فتوحات، بر اساس رانت و وابستگی و منافع سیاسی صورت گرفت و در نتیجه، جامعه اسلامی به نظام طبقاتی تن داد و فتنه‌های بسیاری در آن ظهور کرد. این فتنه‌ها زمانی آشکار شد و هویت خود را نشان داد که حضرت علی(ع) پس از ۲۵ سال، در صدد احیاء سنت نبوی برآمدند؛ اما با مخالفت برخی از صحابه روبه‌رو شده و سرانجام به درگیری نظامی با آن‌ها مجبور شدند و فتنه‌های بسیار در جامعه اسلامی به پا خواست که مهم‌ترین آن‌ها جنگ جمل و صفین و نهروان بود.

در ارزیابی کلی باید گفت که در سیره رسول خدا(ص)، شاهد مدیریت بر اساس نص صریح احکام الهی و عدالت هستیم؛ در حالی که در دوره پس از آن حضرت، در مواقعی این رویه به برخوردی ناعادلانه و واگذاری امتیازات بر اساس وابستگی و منافع سیاسی تبدیل شد. علت این تغییر سیاست ناشی از این امر بود که اهداف اصلی جهاد به اهداف شخصی تبدیل شد. به علت امتیازاتی که بر مبنای حضور در جنگ‌ها در تقسیم بیت‌المال برای افراد در نظر گرفته شد، افراد بسیاری به جهاد روی آوردند که به پیروزی، بیش از هدف اصلی جهاد توجه می‌کردند. نتیجه اتخاذ این سیاست از سوی خلفا این بود که جامعه اسلامی، به ویژه بخش عمده‌ای از نخبگان مسلمان که از جمله

آگاهانه در جهاد شرکت کنند. رسول خدا(ص) با انتخاب افراد شایسته به عنوان فرمانده سپاه، به مجاهدان یادآوری می‌کردند که جنگ باید برای رضای خدا و رسیدن به اهداف الهی باشد و کسی که با این تفکر به میدان جنگ می‌رود، چه کشته شود و چه بکشد، پیروز خواهد بود و سرنوشتی نیکو خواهد داشت.

رسول خدا(ص) در حد امکان از شروع جنگ توسط مسلمانان جلوگیری می‌کردند. ایشان برای دوری کردن از جنگ و پذیرفتن اسلام یا دادن جزیه یا هجرت، پیکی را به نزد آن‌ها می‌فرستادند. هرگاه نیز جنگی صورت می‌گرفت، آن حضرت در میدان جنگ مدیریت کامل بودند و همه جوانب جنگ را در نظر می‌گرفتند و خود، سپاه مسلمانان را رهبری می‌کردند. در میدان جنگ با یاران خویش مشورت می‌کردند تا بهترین موقعیت نظامی را انتخاب کنند. مهم‌ترین جنبه‌های مدیریتی مجاهدان مسلمان پس از پایان جنگ‌ها از سوی رسول خدا(ص)، مدیریت مجاهدان مسلمان در خصوص اختصاص غنایم به آن‌ها و همچنین شیوه برخورد با اُسر است. آن حضرت در نهایت عدالت با همه رفتار می‌کردند و امتیازی برای کسی قائل نمی‌شدند که موجب اختلاف و تضاد شود و همه را برابر می‌دانستند. در سیره رسول خدا(ص)، شاهد مدیریت بر اساس احکام الهی و عدالت هستیم.

پس از رحلت رسول خدا(ص)، مدیریت مجاهدان مسلمان قبل از جنگ و در حین جنگ و پس از جنگ، تفاوت آشکاری کرد؛ به طوری که برخلاف سیره آن حضرت، بسیاری از فرماندهانی که برای جهاد انتخاب می‌شدند، فاقد روحیه و اخلاق ناب اسلامی بودند؛ همچنین افراد بسیاری به جهاد روی می‌آوردند که به پیروزی بیش از هدف اصلی جهاد توجه می‌کردند. در این زمان مسئله درخور توجه، شکل‌گیری فرهنگ

مجاهدان مسلمان بودند و سابقه جهاد در رکاب رسول خدا(ص) و همراهی با خلفا در فتوحات را داشتند، تغییر رفتار دادند. همین تغییر رفتار، جامعه اسلامی را گرفتار چالش‌هایی همچون فاصله طبقاتی کرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری فتنه‌هایی در اواخر خلافت خلیفه سوم و سراسر دوران خلافت امام علی(ع) شد.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، می‌توان این فرض را مطرح کرد که جامعه اسلامی در تمام ادوار، به ویژه در دوره‌هایی که مشغول مبارزه و جهاد است، اگر به هر علتی از سیره نبوی در مدیریت مجاهدان مسلمان، به ویژه در مدیریت فرماندهان و افسران عالی رتبه، غفلت کرده و روش‌های ناروا اتخاذ کند، باعث تضاد طبقاتی و حرکت به سمت کسب منافع شخصی می‌شود؛ پس این گونه، بستر مناسب برای بروز فتنه‌های سیاسی و مخالف عدالت طلبی محیا می‌شود.

کتابنامه

الف. کتاب های عربی

. قرآن کریم.

. نهج البلاغه.

. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، (۱۹۹۰م/۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، ج ۳ و ۴، دارالکتب العلمیه: بیروت.

. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین محمد، (بی‌تا)، مناقب آل ابی طالب، المطبعه العلمیه بقم، یطلب من مکتبه السیداسدالله الطباطبایی و السید محمود الصحفی قم: بالمدرسه الفیضیه.

. ابن کثیر، الامام الحافظ ابی الفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، (۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق)، البدایه و النهایه، ج ۵ و ۶، بیروت: الدار احیاء التراث العربی.

----- .
- (بی‌تا)، البدایه و النهایه، ج ۳ و ۴، بیروت: الدار احیاء التراث العربی.

. بلاذری، احمد ابن یحیی، (۱۹۳۶م)، انساب الاشراف، اهتمام گوتین، جزء پنجم، چاپخانه دانشگاه اورشلیم.

ب. کتاب های فارسی

. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱)، تاریخ الکامل، ترجمه سیدمحمد حسین روحانی، ج ۳، بی‌جا: اساطیر.

----- . (بی‌تا)، تاریخ الکامل، ترجمه سیدمحمد حسین روحانی، ج ۴، بی‌جا: اساطیر.

. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، (۱۳۷۲)، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انقلاب اسلامی.

. ابن هشام، (بی‌تا)، زندگانی محمد(ص) ترجمه سیره النبویه، ج ۱ و ۲، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.

. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، بی‌جا: نقره.

. جعفریان، رسول، (۱۳۹۲)، تاریخ سیاسی اسلام؛ تاریخ خلفا، ج ۲، قم: دلیل ما.

. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۵)، لغت‌نامه، تهران: چاپخانه مجلس.

. دینوری، ابن قتیبه، (۱۳۸۴)، امامت و سیاست؛ تاریخ خلفا، ترجمه سیدناصر طباطبایی، ج ۲، بی‌جا: ققنوس.

. زرگری‌نژاد، غلامحسین، (۱۳۹۰)، تاریخ صدر اسلام، ج ۷، تهران: سمت.

. سوید، یاسین، (۱۳۷۸)، اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام، ترجمه اصغر قائدان، تهران: دانشگاه امام حسین(ع).

- . طبری، محمد بن جریر، (۱۳۵۲)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۵، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران، چاپخانه زر.
- . -----، (۱۳۵۲)، تاریخ طبری؛ تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۶، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- . مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، (۱۳۴۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- . -----، (۱۳۴۹)،
التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- . واقدی، محمد بن خلیفه دوم، (۱۳۶۹)، المغازی؛ تاریخ جنگ‌های رسول خدا(ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه پیام نور.
- . وتر، ظاهر، (۱۳۷۵)، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم(ص)، ترجمه اصغر قائدان، تهران: صریح.
- . یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، (۱۳۴۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه.
- . -----، (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲، ج ۶، تهران: علمی و فرهنگی.
- . زمانی محجوب، حبیب، (۱۳۸۷)، ویژگی‌های مجاهدان صدر اسلام، حصون، ش ۱۶، ص ۲۲ تا ۴۲.
- . قائدان، اصغر، (۱۳۸۵)، مدیریت و رهبری پیامبر اکرم در عرصه‌های نظامی، مجله مطالعات بسیج، ش ۳۱، ص ۵ تا ۴۰.
- . -----، (۱۳۸۸)، نقش عوامل معنوی در جنگ‌های عصر رسول خدا، حصون، ش ۲۰، ص ۱۳۴ تا ۱۵۷.
- د. کتاب‌های لاتین**
- . Gabriel, Richard A., (2007) Muhammad-Islam's First Great General, U.S.A., University of Oklahoma Press
- . Irfa, Emi, (2015), The concept of battle against non muslim in the holy Quran, Thesis, Indonesia, university of walisongo, Islamic Theology on Tafsir-Hadith Department.
- . Atiq ur Rahman, Zia ur Rahman(2014) The Campaigns of the Prophet and Execution of POWs, Al- Azwa, Vol. 29 Issue. 41. P 12-1.
- . Mahmood Atharizadeh(2015) Military Role of Mosques during the lifetime of the Prophet (PBUH) and the first two-Rightly- Guided Caliphs, macrothink institutetm Vol. 3, No. 2:p114-120.
- . Valikhani Dehaghani, Mashallah, (2014) Transformational leadership having a look into the life of prophet Muhammad (PBUH), Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review Vol. 3, No.11a; P 145-151.

ج. مقالات

- . تقی‌زاده اکبری، علی، (۱۳۸۵)، روش فرماندهی پیامبر اعظم، حصون، ش ۹، ص ۶ تا ۲۲.
- . رستمی، علی امین، (۱۳۷۸)، قانون‌مداری در سیره نظامی رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع)، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۱۹، ص ۵ تا ۲۰.